

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

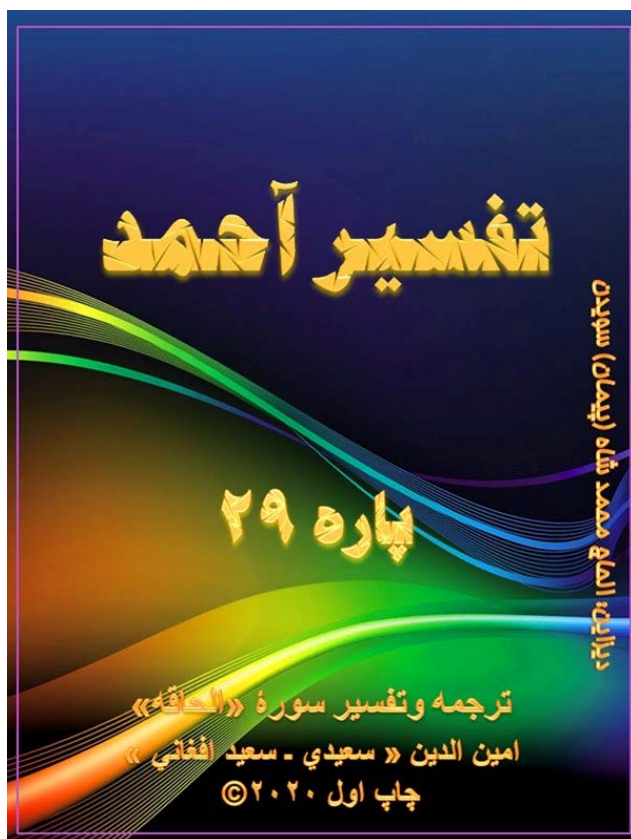
afgazad@gmail.com

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی-سعیدافغانی»
۲۷ اکتوبر ۲۰۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

سورة الحاقه

۱



سورة حاقه در مکه مکرمه نازل شده و دارای پنجاه و دو آیت و دو رکوع می باشد.

این سوره در ترتیب مصحف شریف شصت و نهمین سوره و در ترتیب نزول هفتاد و هشتمین سوره قرآن عظیم الشأن است.

وجه تسمیه:

این سوره به سبب افتتاح آن با پرسش از قیامت که الحاقه اسمی از اسمای آن است، «الْحَاقَّةُ» نامیده شد.

سورة «الْحَاقَّةُ» سوره ایست سخت تکان دهنده و عظیم که این احساس را به قوت و صلابت تمام در انسان ایجاد می کند که کار دین جدی است و هیچ مجالی برای بی پروائی در برابر تطبیق دین وجود ندارد.

«حاقه» یکی از نامهای قیامت است. در این سوره وقایع هولناک قیامت و سزای فجار و کفار و پاداش متقین را بیان داشته است.

در این سوره با تمام قاطعیت و کمترین تردید؛ بیان گردیده است که: قیامت «حق» است و بدون معاد، زندگی، آفرینش و حیات، پوچ و لغو خواهد بود.

به صورت کل کلمه «الْحَاقَّةُ»، در سه آیت اول سوره تکرار شده و سپس به توصیف قیامت، و امت‌های گذشته و باز هم قیامت و وحی نبوی پرداخته است.

محتوای سوره:

طوری که یاد آور شدیم، این سوره مسأله «حاقه» یعنی قیامت را به یاد می آورد، در قرآن عظیم الشان چندین نام دیگری هم برای قیامت آمده است که در سوره بالفظ «الْحَاقَّةُ» سپس بالفظ «قارعه» و بعد با لفظ «واقعه» یاد آوری شده است و تمام اینها نامهای قیامت هستند.

کلمه «الْحَاقَّةُ» به معنای حق و ثابت می باشد، و نیز به معنای آن که چیزی را ثابت کند هم آمده است و این لفظ با توجه به هر دو معنی، در مورد قیامت صدق می کند زیرا طوری که گفتیم خود قیامت هم حق و وقوع آن ثابت و یقینی است و نیز قیامت، جنت را برای اهل ایمان و جهنم را برای کفار ثابت می نماید.

در این سوره به طور اجمالی به سرانجام امت هائی پرداخته، که آنان منکران روز قیامت بودند و در بخش دیگری اوصاف حاقه را بیان می کند و این که در آن روز مردم دو گروه اند، یکی اصحاب یمین و دیگری اصحاب شمال یعنی این که، یکی اهل سعادت و دیگری اهل شقاوت اند و در بخش دیگر در راستی و درستی خبرها و سخنان قرآن عظیم الشان تأکید نموده، آنها را حق الیقین معرفی می دارد.

ارتباطش با سوره قبلی:

چون در آخر سوره قلم در باره حوادث قیامت و وعید کفار ذکر شد خداوند سوره حاقه را نیز به یاد قیامت و احوال اهل آتش آغاز و شروع نموده است.

تعداد آیات، کلمه و حروف:

این سوره دارای ۵۲ آیت، ۲۵۶ کلمه و ۱۰۸۴ حرف می باشد.

مهمترین هدف این سوره:

مهمترین هدف سوره حاقه یادآوری قیامت، یاد آوری و تأکید بر حتمی بودن بر وقوع آن است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده و مهربان

الْحَاقَّةُ (۱)

آن روز ثابت، رخ دهنده و حق (روز رستاخیز که و قوعش به طور حتمی است). (۱)

«الْحَاقَّةُ» به معنای «واقع شدنی، رخ دهنده، یکی از نام های قیامت است، که حق و باطل ثابت می شود، وعده و وعید با پاداش و جزا تحقق می یابد».

مَا الْحَاقَّةُ (۲)

آن روز ثابت و حق چیست؟ (قیامت و صحنه های هول انگیزش چگونه و دارای چه صفات، هولناکی ها، خطرها و احوالی است). (۲)

«الْحَاقَّةُ» از «حَقُّ» گرفته شده و به معنای امر ثابت و محقق است. همچنان طوری که در فوق یاد آور شدیم «الْحَاقَّةُ»، یکی از نام‌های قیامت است، و با تمام حق‌الیقین اقرار نمائیم که قیامت واقعه‌ای حتمی، حقیقی و ثابت است.

قیامت:

قیامت در لغت از قیام، خیزش و برخاستن گرفته شده است؛ و در اصطلاح برخاستن انسان از خاک و حضورش در برابر خالق لایزال پس از مرگ است.

قیامت صغری و قیامت کبری:

هر کس وفات می‌کند قیامت صغری او بر پا می‌شود (من مات قامت قیامته) و سرآغازی است برای پاداش و جزا های که بخشی آن جنبه برزخی دارد و بخش دیگری در قیامت کبری یعنی قیامت عمومی بر انسانها عملی می‌گردد، قابل تذکر است که در هیچ یک از این دو مرحله نه چاره جوئی‌ها مؤثر است و نه در برابر اراده الهی یار و یابوری وجود دارد.

ترس و هیبت قیامت صغری مثل ترس و هیبت قیامت کبری است، با این فرق که در قیامت صغری ترس فردی است و در قیامت کبری ترس و هیبتش تمام مخلوقات را فرا می‌گیرد.

قیامت صغری (عالم برزخ): انسان پس از مرگ وارد عالم قیامت نمی‌شود، بلکه به عالم برزخ وارد می‌گردد. منظور از عالم برزخ، جهانی است که میان دنیا و عالم آخرت قرار دارد، یعنی هنگامی که روح از بدن جدا می‌شود، پیش از آن که بار دیگر در قیامت به بدن اصلی باز گردد، در عالمی که میان این دو عالم است و برزخ نامیده می‌شود، قرار خواهد داشت.

قیامت کبری (عالم بعد از برزخ) عالمی است که پس از عالم برزخ همه انسانها از اولین تا آخرین جمع شده، و وارد مرحله جدیدی از زندگی و حیات می‌شوند و به پاداش و یا جزای اعمال و رفتار زندگی دنیائی خود می‌رسند. مشهورترین نام برای روز قیامت «یوم القیامة» است که ۷۰ بار در قرآن عظیم الشان ذکر یافته است. خواننده محترم!

در آیت «الْحَاقَّةُ مَا الْحَاقَّةُ» به یک واقعیت بر می‌خوریم، و آن این که قیامت، روزی بس بزرگ و هولناکی است. تعریف و توصیف این روز به جز از طریق وحی، قابل شناخت، و تعریف نیست. یقین و حکم شرعی همین است که آن‌ده از اشخاصی که به تکذیب قیامت می‌پردازند، به طور یقین گرفتار قهر و عذاب الهی در دنیا و آخرت می‌گردند.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ (۳)

و تو چه دانی که آن روز واقع شدنی چیست؟ (۳)

در این آیت مبارکه الله تعالی خطاب به پیامبر اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

ای پیامبر! در باره حقیقت قیامت چه می‌دانی؟ یعنی قیامت بالاتر از توصیف و بزرگتر از تصور انسانی است، به صورت کل در این روز حوادث عظیم و غول پیکری به وقوع می‌پیوندد.

كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ (۴)

قوم ثمود و عاد آن روز کوبنده را تکذیب کردند. (۴)

معنای لفظی «قَارِعَةً» کوبنده است، و این لفظ از آن جهت برای قیامت به کار برده شده است، که آن مضطرب و بی قرار کننده همه مردم و پراکنده کننده همه اجسام آسمانها و زمین است. (تفسیر معارف القرآن علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی سوره الحاقه)

طوری که در فوق یاد آور شدیم که تکذیب کنندگان این روز با عظمت (قیامت) به مصایب دردناکی هم در دنیا و هم آخرت مواجه و مؤاخذه می شوند، طوری که قوم عاد و ثمود، به همچو مصایبی مبتلا شدند، زیرا تکذیب در فهم کل مقدمه طغیان بوده و چیزی واضح است که طغیان، سبب نابودی می گردد.

قوم ثمود یعنی قوم صالح علیه السلام و قوم عاد یعنی قوم هود علیه السلام از جمله اقوامی اند که هزار سال قبل از میلاد تا زمان بعثت محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم در سرزمین امروزی عربستان سعودی زندگی به سر می بردند. در داستان های قرآن عظیم الشأن آمده است که قوم عاد و ثمود بنابر بر انکار و تکذیب روز قیامت به وسیله عذاب الهی از میان رفته و مضمحل شدند.

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ (۵)

اما قوم «ثمود» هلاک شدند به اساس طغیان شان. (۵)

«الطَّاغِيَةِ» «آواز سهمگین، بلائی که شدتش از حد بگذرد، هدف از «الطَّاغِيَةِ» در این آیت مبارکه، همان صدای تند و تیزی که از حد تمام صدا های دنیا متجاوز باشد، قلب و دماغ انسان نتواند آن را تحمل کند، کلمه صاعقه همچنان در سوره (فصلت) نیز ذکر یافته است و برخی از مفسرین در تعریف کلمه «صاعقه» نوشته اند که عبارت از آواز مهیبی که با لرزش همراه باشد، طوری که سوره «اعراف» کلمه «رَجْفَه» و در سوره (هود) کلمه «صَيْحَه» استعمال گردیده است.

زمانی که نافرمانی قوم عاد و ثمود از حد و مرز گذشت، عذاب الهی بر آنها به صورت صدای مهیب و سخت، نازل شد، که مجموعه ای از تمام جرقه های برق جهان و صدا های شدید آن بود که در اثر آن قلب های شان پاره شدند.

الله تعالی در طول تاریخ، امت های متعددی را به خاطر تکذیب و انکار از قیامت هلاک کرد، پس در حقیقت این آیات جواب «ما» استفهامیه است. همچنان که جمله «فَاذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ...» جواب دیگری است و حاصل معنی این است که قیامت همان کوبنده ای است که قوم ثمود، قوم عاد، فرعون و طاغوت های قبل از او و موفکات و قوم نوح تکذیبش کردند، و خدا به اخذ معاقبه و پیگرد شدید ایشان را بگرفت، و به عذاب انقراض هلاکشان کرد.

اما در مورد این که ثمودی ها چگونه به هلاکت رسیدند در آیت فوق خواندیم: «فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ» این جمله اثر تکذیب ثمود را به طور مفصل بیان می کند، و در این که مراد از طاغیه چیست؟ آیا صیحه (صدای محکم و کر کننده) آسمانی است و یا زلزله است و یا صاعقه؟ آیات قرآن عظیم الشأن مختلف است. در سوره هود سبب هلاکشان را صیحه دانسته، فرمود: «و اخذ الذين ظلموا الصيحة» و در سوره اعراف عامل هلاکت آنان را زلزله دانسته اند.

وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ (۶)

اما قوم عاد با باد سخت و نیرومند، بسیار سرد و طغیان گر به هلاکت رسیدند. (۶)

«بِرِيحٍ صَرْصَرٍ» (به باد سوزان یا سرد یا آواز شدید)

«عَاتِيَةٍ» (از مصدر) عتو «به معنای طغیان و سرپیچی از اطاعت و ناسازگاری است.

وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ کلمه «صَرْصَرٍ» به معنای بادی سخت سرد و بسیار تند است.

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَمَایِنَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازٌ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ (۷)

پروردگار بزرگ، باد تندی را هفت شب و هشت روز پی‌درپی، بدون سستی و انقطاع بر آنان مسلط ساخت و می‌دید که آنان مانند تنه‌های پوسیده و میان تهی درختان خرما در میان این تند باد روی زمین افتاده و هلاک شده‌اند. (۷)

«حُسُوما» «پی درپی».

«صِرْعِي» «بر زمین افتاده، هلاک شده».

«صِرْصِرٍ» به معنی باد سرد و سخت است.

«عَاتِيَّةً» از «عتو» به معنای سرکش است.

«حِسُوم» جمع «حاسم» یعنی انجام مکرر و پی‌در پی یک عمل تا قطع و نابودی کامل.

«خَاوِيَّةً» هم به معنای میان خالی است و هم به معنای چیزی که به زمین افتاده باشد.

«صِرْعِي» جمع «صریع» به چیزی گفته می‌شود که روی زمین افتاده باشد

و «أَعْجَازُ» جمع «عجز» به معنای تنه درخت است.

در آیت ۲۰ سوره قمر می‌خوانیم «كَانَهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ»، یعنی هلاکت قوم عاد آن گونه بود که گویا تنه بلند درخت خرما از ریشه کنده شده باشد.

«سَبْعَ لَيَالٍ وَتَمَائِيَةَ أَيَّامٍ» (هفت شب و هشت روز پی‌در پی) در برخی از روایات آمده است که این عذاب طوفان باد، بود که از صبح روز چهارشنبه آغاز گردیده تا غروب چهارشنبه دیگر ادامه یافت، که بدین ترتیب روزها هشت و شبها هفت شدند. تفسیر معارف القرآن علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی سوره الحاقه).

در این آیه متبرکه که در می‌یابیم که:

پروردگار با عظمت ما بر اثر نافرمانی هر قوم عذاب مختلف النوعی نازل می‌دارد، قوم ثمود را با آتش صاعقه و قوم عاد را با باد سرد هلاک کرد.

و در این هیچ جای شک نیست که، عذابهای الهی گاهی دفعی است و گاهی تدریجی.

هیچ شخص و هیچ قومی به نیرومندی و قوت خویش مغرور نشود، زیرا نیرومندی و تنومندی مانع هلاکت نیست. اگر قامت و بلندی انسان مثل درخت خرما بلند باشد، در برابر قهر الهی جل جلاله به زمین می‌افتد. جزای الهی آسان و یکسان نیست، گاهی به کلی محو و نابودش می‌کند: «فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ» و گاهی بر جسمش می‌زند و مانند «أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَّةٍ» و ملاحظه شد: که آنان مانند تنه‌های پوسیده و میان خالی درختان خرما در میان این تند باد روی زمین افتاده و هلاک شده‌اند.

ادامه دارد